



برخی اخبار و مواضع دیپلمات های حاضر در مذاکرات وین، نگرانی ها درباره احتمال عبور از سیاست های نظام را پررنگ کرده است

# مذاکرات وین طبق «سیاست قطعی» جلومی رود؟



## کارون به خشکی نزدیک می شود

کاهش بارندگی، تداوم سدسازی و اجرای طرح های انتقال آب، وضعیت رودخانه کارون را وخیم کرده است

بررسی بازنمایی تصویر ناخوشایند از موسسات خیریه در ۳ سریال شبکه نمایش خانگی

### «نشر» رسانی در روز روشن



گزارش پشت صحنه از ویژه برنامه افطار «دعوت» همراه گفت و گو با تهیه کننده، سردبیر و مجری برنامه

### قصه گویی پیش از افطار



#### نگاه

### پنهان کاری خرابکاری های اقتصادی

هستیم، حذف کارت سوخت در ابتدای دولت تدبیر و امید، اگرچه با انتقادهای صریح کارشناسان همراه شد اما نتیجه آن و همچنین تعلل در توسعه پالایشگاه های داخلی از جمله پالایشگاه ستاره خلیج فارس بی عملی دولت برای بهینه سازی مصرف سوخت موجب شد تا تازار تولید و مصرف بنزین دچار عدم تعادل شود و در شرایطی که تحریم های ترامپ، مانع جدی بر سر واردات اقلام مختلف ایجاد کرده بود، امکان واردات بنزین فراهم نباشد، لذا در تصمیمی شتابزده و بدون توجه به افئاع افکار عمومی و بدون اعتنا به طرح های کارشناسی نظیر اختصاص یارانه بنزین به هر نفع اعم از دارای خودرو یا فاقد خودرو به جای اختصاص بنزین یارانه ای به هر خودرو، یک شبه بنزین گران شد و جرقه اعتراضاتی را رقم زد که متأسفانه منجر به فوت جمعی از هموطنان شد، در حالی که می شد با اتخاذ تصمیمی کارشناسی تر و با موجهه مسوولانه تر مسوولان از جمله شخص رئیس جمهوری، با ماجرابه جای طرح این ادعا که «من صبح جمعه فهمیدم»، جلوی چنین لطمه اجتماعی-امنیتی به جامعه گرفته شده و راهکاری عادلانه تر برای توزیع یارانه بنزین اجرایی می شد. ۴- یک سال قبل تر از همان ابتدای سال با اوج گیری قیمت ارز، همه منتظر اقدام دولت برای مهار قیمت ارز بودند ولی در نهایت شگفتی در ۲۱ فروردین ۹۷ تصمیمی در هیات دولت برای ارز اتخاذ شد که تاکنون بیش از ۶۰ میلیارد دلار هدررفت منابع به جا گذاشته است. ارز رانتی ۲۲۰۰ تومانی در ابتدا با نهایت گشاده دستی به همه مصارف اختصاص یافت و پس از چند ماه باتغییر رئیس کل بانک مرکزی، اختصاص این ارز به کالاهای اساسی محدود شد ولی از همان زمان تاکنون روند قیمت کالاهای اساسی نشان می دهد که قیمت این کالاها نسبت به تورم عمومی رشد بیشتری یافته است. توزیع رانتی نجومی بین واردکنندگان نتیجه تصمیمی است که به گفته رئیس کل سابق بانک مرکزی و مشاور اقتصادی سابق رئیس جمهوری با تصمیم شخص آقای روحانی در جلسه هیات دولت محقق شده و ناکارآمدی آن نیز تاکنون مشهود است ولی با وجود اصرار مجلس یازدهم بر حذف این ارز و توزیع سید کالا یا افزایش یارانه نقدی به جای آن، متأسفانه دولت تمام تلاش خود را برای باقی نگهداشتن این سرچشمه رانت به کار بست. در نهایت باید گفت که صوت مصاحبه طریف با هدف ایجاد دوقطبی کاذبی منتشر شده که به دنبال پنهان کردن فجایع مدیریتی و کلکسیون ناکارآمدی های دولت است. لذا هیچ چیزی نباید مانع نادیده گرفتن این فجایع مدیریتی شود و هر گونه نقد اظهارات شخیف طریف باید با تلاش در این جهت همراه باشد که دولت را در موضع پاسخگویی نسبت به رانت بزرگ ارز ۴۲۰۰ تومانی، بی تدبیری بنزینی، فاجعه بورسی، بی کفایتی کروناپی و هزاران اقدام در جهت لطمه به معیشت و آرامش جامعه قرار دهد. [

فایل صوتی بیش از سه ساعته منتشرشده از مصاحبه دکتر طریف دووجه دارد که عمدتاً پرداختن به وجه نخست آن موجب غفلت از وجه دوم شده، در حالی که وجه دوم این ماجرا مهم تر است. وجه نخست به تقابل دیدگاه ایشان با سیاست رسمی نظام در ماجرای سوریه و نگاه به شرق برمی گردد و متأسفانه دوقطبی سازی غلط میدان و دیپلماسی و تعرض های غلط و ناجوانمردانه ایشان نسبت به شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی برمی گردد که به جای خود مهم است و جای نقد جدی دارد، اما وجه دوم ماجرا به انگیزه های انتشار این مصاحبه بر می گردد. تاکید چندباره بر دوقطبی سازی میدان و دیپلماسی نه صرفاً برای فراکنی شکست دیپلماسی برجامی دولت تدبیر و امید بلکه فراتر از آن برای پوشاندن شکست های دولت تدبیر و امید در دیگر بخش ها نیز بوده است. شکست هایی که بیش از همه به ضعف جدی مدیریتی و خودمحوری رئیس دولت بی کفایتی دیگر مسوولان دولتی ربط دارد. برای نمونه به چهار مورد از تصمیمات اقتصادی - اجتماعی سال های اخیر دولت می توان اشاره کرد:

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس



مجتبی توانگر

۱- هفتم فروردین امسال در نشست ستاد ملی مقابله با کرونا، در شرایطی که از مدت ها قبل وزارت بهداشت، نسبت به شیوع کرونا ی انگلیسی از خوزستان به دیگر نقاط کشور و اوج گیری موج چهارم کرونا در کشور هشدار می داد، رئیس جمهوری در کمال تعجب مدعی عبور دنیا از موج چهارم شد. این حرف در عمل با تصمیم قبلی این ستاد برای آزاد سازی سفرهای نوروزی مطابقت داشت و نشان می داد که چگونه با وجود مخالفت صریح متولی سلامت و بهداشت کشور، سفرهای نوروزی مجاز شد تا ویروس انگلیسی در سراسر کشور پخش شود و آمار فوتی های کرونا را طی کمتر از یک ماه ۵ تا ۶ برابر افزایش دهد.

۲- سال گذشته بخش عمده ای از جامعه طعم بی کفایتی دولت در ماجرای بورس را چشیدند. بازار سرمایه در شرایط طی حدود پنج ماه به رشد ۴۰۰ درصدی رسید و شاخص کل مواجه شد که کارشناسان نسبت به شکل گیری حباب در بازار هشدار می دادند و بر عرضه مستمر سهام برای تعادل بخشی به عرضه و تقاضا در بازار تاکید داشتند اما مسوولان مسیر دیگری می رفتند. وزیر اقتصاد موجب برکناری رئیس اسبق سازمان بورس شد که مخالف این روند حبابی بود. ولی نیز دایم مردم را به حضور در بورس دعوت می کرد. نتیجه این فرآیند هجوم جمع کثیری از توده مردم به بازار در شرایط حبابی و سپس تحمل سقوط وحشناک شاخص و از دست رفتن سرمایه مردم شد.

۳- یک سال قبل تر از ماجرای بورس با ماجرای بنزین مواجه

#### زیر آسمان کابل

### چرا طالبان با مذاکرات صلح بازی می کند؟

در افغانستان همه مشتاق شروع مجدد گفتگوهای صلحد. اما فرجام این مذاکرات بنفع کیست؟ بی رغبتی طالبان برای شرکت در محفل استانبول سبب شده برخی گمان کنند آنها از گفتگو فراریند. با آغاز روند صلح موجب تضعیف موضع آنهاست. چنین نیست. طالبان بیشتر از دولت مشتاق تسریع و پایان مذاکرات است، اما چند ملاحظه دارد؛ الف) سهمی که می گیرد حداقل ۵۰ درصدی باشد. هرچند با گارد طلب سهم ۹۰ درصدی بازی می کند. ب) ضمانت محکم داشته و طرف مقابل امکان انکار و نقض عهد نداشته باشد. ج) توافقات بسرعت از روی کاغذ به مرحله عمل برسد.

به باور من اگر ملاحظات فوق رعایت شوند این گروه در نخستین نشست کار اتمام می کند. به کسب ۵۰ درصد قدرت رضایت می دهد. پیمان صلح را امضا کرده و کسب یک پیروزی تمام عیار را جشن می گیرد. تا نایل به چنین توافقی - با چارچوبی که آمد- طالبان دست از نبرد نمی کشد. بلکه آتش جنگ را تیزتر خواهد کرد. اما چرا چنین رفتاری از سوی آنها قابل پیش بینی است؟ اعضای هیاتی که دولت و مخالفان طالبان را در مذاکرات صلح نمایندگی می کند بسیار متشمت اند. هرکدام خواسته ای دارند. گذشته از آن هنوز بسیاری گروه ها و طرفهایی که دراین هیات هیچ نماینده ای ندارند. تقسیم پنجاه- پنجاه قدرت به معنای تقسیم مساوی آن میان دولت و طالبان نیست. اگر چنین شود طالبان با حفظ توان خویش. نیمی از کل توان کشور را نیز تصاحب کرده و وارد بازی می شود. دکتر غنی اما ناچار است پنجاه درصد سهمش را با دهها حزب و گروه و جبهه و افراد ذی نفوذ و... که در هیات مصالحه نماینده دارند و ندارند تقسیم کند. این انشقاق به واحدهای کوچک و کوچکتر، که با درگرفتن نزاع میان آنها (که فعلاً نیز آشکار و شدید است) همراه خواهد بود، به دو نتیجه ختم می شود: ۱- همه تضعیف شده و لذا هرکدام بسادی برای طالبان قابل هضم یا قابل حذف می شوند. ۲- شاید برخی برای رسیدن به اهدافشان، از جبهه آقای غنی به دامن طالبان که حالا مشروع و قدرتمند است پناه ببرند... و این دومی کفه طالبان را با زهم در معادلات داخلی و منطقه ای قدر، سنگینتر خواهد کرد. زیرا آنگاه بیشتر از پنجاه درصد حاکمیت، بلکه قدرت قاهر خواهد شد. پس تعجب نکنید اگر بعضی طرفها (بخوانید متحدان دکتر غنی) پیش، پس یا حین مذاکرات صلح، بسبب پافشاری و تعصب ترسناک آقای رییس جمهور، پنهانی سراغ طالبان رفته باشند. حربه تعجب نکنید اگر خود آقای غنی برای حذف متحدانش، سراغ دشمنان ظاهری و هم تباران واقعی اش- طالبان- رفته باشد تا پشت درهای بسته، قدرت را چنانکه نقشه کشیده با آنها تقسیم کند... وشایع است که رفت- همراه کابینه، دهها چهره مورد اعتمادش و قراردادی پروپیمان، پنهانی راهی پایتختی عربی در جنوب خلیج فارس شد. اما طالبان تحقیقش کردند. حتی حاضر به دیدن او نشدند. او را پس زدند. بله! اغلب سیاست به همین حد اسفناک است.

اینجا شاید برخی بگویند اختلاف و افتراق میان طالبان نیز هست و... می پذیرم. هست. حتی بیشتر و عمیقتر از آنچه افکار عمومی تصور کند. هست. اما این گروه با وجود تلون آرا، یکی ویژگی مهم دارد. چیزی که هیات منسوب به دولت فاقد آنست. اختلافات آنها - هرچند عمیق- در میدان است، نه پشت میز مذاکرات. تیم مذاکره آنها یکدست است. خواسته ها و صدایی کاملاً واحد دارند.

سأله است بین طالبان یک جریان در نبردها دست بالا را دارد. نسبت به بقیه قویتر است. تیم حاضر در گفتگوها نماینده همان جریان است. آنها پس از ادغام در حاکمیت و بواقع قبضه قدرت و دولت، در نخستین قدم خدمت همسنگران معترضشان می رسند. با نیرویی که دیگر به مدد مشروعیت و دسترسی به انواع سلاح های پیچیده (خاصه نیروی هوایی) چند برابر شده است، برادران ناراضی خود را بنام داعش و القاعده و غیره، سریعاً سرکوب می کنند. اما در خفا نیروهای وفادار، واقعی، اصلی و حرفه ای این گروه ها را برای کنترل مخالفان داخلی و اخاذی از قدرتهای منطقه ای نقاط کلیدی حفظ خواهند کرد. آنها وجه الضمان طالبان برای نقد شدن چک کاخ سفیدند! سلاح پنهان برای روز مبادا! [



محمدحسین جعفریان

کارشناس ارشد مسائل افغانستان

#### یادداشت

### تهران سینوسی

آمار مبتلایان روز گذشته در تهران نشان می دهد با این که تعداد بستری ها همچنان بالاست اما تهران روزهای تقریباً آرام تری را نسبت به چند روز گذشته می گذراند؛ البته آرام نه به معنای این که سیر نزولی داشته باشیم بلکه این روند کاملاً سینوسی است؛ یعنی مدام در حال بالا و پایین شدن است و به هیچ کدام از موج های نزولی اش نمی شود اطمینان کرد.

این در حالی است که این روزها مصرف داروی رمدهیویر در بیمارستان ها برای درمان بیماران کرونایی بسیار بالا رفته است؛ اتفاقی که البته با بالا رفتن تعداد بیماران، چندان دور از انتظار نیست و طبیعی به نظر می رسد. در واقع در شرایطی که تعداد بیماران بسیار بالا رفته اما تعداد زیادی از آنها در کلینیک های سرپایی با این دارو مداوا می شوند؛ روندی که اتفاقاً به سیر کاری و سرعت بخشیدن به روند درمان خیلی کمک کرده است اما در عین حال در حال برگزاری جلساتی هستیم که بتوانیم این موضوع را ساماندهی کنیم تا مشکلی برای تامین این دارو پیش نیاید. موضوع مهم این است شاید این افزایش مصرف به اندازه ای بوده که سیستم تامین دچار اختلال بشود اما اجازه ادامه دار شدن مشکل را نمی دهیم. دراین خصوص به تعدادی از شرکت های تولیدکننده درخواست داده شده و به نظر نمی آید در روزهای آتی با مشکل کمبود رمدهیویر روبه رو شویم.

در چنین شرایطی، به تازگی برخی افراد گله می کنند که به بیمارستان مراجعه کرده و کادر درمان، بیمار را برای تهیه این دارو به داروخانه ها فرستاده اند؛ اتفاقی که اگر حقیقت داشته باشد، تخلف آشکاری از سمت بیمارستان است و کسانی که با این امر مواجه می شوند، باید خیلی سریع این تخلف را به سامانه ۱۹۰ اطلاع دهند تا شکایت شان ثبت شود. آن وقت است که این موضوع به طور کاملاً جدی و سختگیرانه پیگیری می شود؛ البته علت تا حدودی مشخص است و می دانیم اگر چنین تخلفی هم صورت گرفته به دلیل افزایش ناگهانی بیماران و مصرف بالای دارو و طبیعتاً تمام شدن موجودی رمدهیویر است اما باز هم چنین اقدامی تخلف است و باید مدیران بیمارستان ها خیلی سریع به دنبال تامین آن باشند نه این که بیمار را برای تهیه دارو راهی داروخانه ها کنند. نکته دیگر درباره شرایط تهران در این روزها، وضعیت کادر درمان است که افزایش مراجعه کنندگان و بیماران، شاید اساسی ترین سختی این روزهای کادر درمان است چون از لحاظ امکانات با مشکل تقریباً خاصی روبه رو نیستند؛ ضمن این که خوشبختانه بیشتر از ۸۰ درصد از کادر درمان واکسینه شده اند. واکسینه نشدن ۲۰ درصد باقی مانده هم به خواست خودشان بوده و هرکدام دلاپی شخصی و متفاوت داشته اند؛ وگرنه وعده واکسینه شدن کادر درمان با قوت عملی شد.

در نهایت هم این که شخصاً فکر می کنم نقطه ضعف مدیریت کرونا در تهران، رعایت نکردن پروتکل ها و نقض محدودیت هاست؛ چرا که در بسیاری از مناطق تهران، هنوز هستند کسانی که ماسک نمی زنند و فاصله گذاری اجتماعی را رعایت نمی کنند که در چنین وضعیتی خیلی نباید انتظار سیر نزولی از آمار مبتلایان تهرانی داشت. [



نادر توکلی

معاون درمان ستاد مدیریت بیماری کرونا در تهران

